



شعیب پیمق

روابط روسیه و ترکیه

روابط روسیه و ترکیه طی سال‌های اخیر با فراز و نشیب‌های بسیار زیادی همراه بوده است؛ به نحوی که گاهی دو کشور از برقراری روابط استراتژیک سخن گفته‌اند و گاهی نیز تا مرز تنش‌های لفظی و حتی رویارویی نظامی پیش رفته‌اند. با توجه به سابقه نه چندان مناسب روابط روسیه و ترکیه از لحاظ تاریخی و همچنین مناسبات تنش‌آلود دو کشور در دهه ۱۹۹۰، سطح همکاری‌های دو طرف در شرایط کنونی نشان می‌دهد که مسکو و آنکارا ضمن حفظ اختلافات خود در حوزه‌های مختلف، نیاز متقابل به یکدیگر به خصوص در حوزه‌های اقتصادی را درک کرده‌اند. به همین دلیل در طول سال‌های گذشته، رهبران دو کشور، دیدارهای بسیار زیادی با یکدیگر داشته‌اند و سعی کرده‌اند روابط تاریخی خصمانه یا رویدادهای تنش‌زا را به فراموشی بسپارند. در این بین روسیه از توسعه همکاری و تحکیم روابط با ترکیه، اهداف و منافع خاص خود را تعقیب می‌کند که بررسی جنبه‌های گوناگون این مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو در ادامه، ضمن نگاهی اجمالی به فراز و فرود روابط دو کشور، به ملاحظات سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی روسیه نسبت به ترکیه پرداخته خواهد شد.

فراز و فرود یک رابطه

ترک‌ها و اسلاوها از دیرباز با یکدیگر در ارتباط بوده و در همسایگی هم زندگی کرده‌اند. علاوه بر ارتباطات مردمی، امپراتوری تزارها و عثمانیان باعث بوجود آمدن تماس‌های زیادی بین طرفین شده بود که اغلب نیز در قالب روابط تخاصم‌آمیز تعریف می‌شد. با فروپاشی امپراطوی عثمانی، اتحاد جماهیر شوروی نخستین دولتی بود که استقلال ترکیه را به رسمیت شناخت، اما پس از وقوع جنگ جهانی دوم و دو قطبی شدن نظام بین‌الملل، آنکارا در طول جنگ سرد به بلوک غرب پیوست و به عضویت سازمان ناتو درآمد. این در حالی بود که روسیه به عنوان رهبر و مرکز اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق عمل می‌کرد. همین دوگانگی باعث شد که روابط مسکو و آنکارا به شدت تیره گردد و دو کشور تا پایان جنگ سرد همچنان دشمن یکدیگر تلقی شوند.

به رغم وجود دیدگاه‌های منفی سیاسی در روسیه نسبت به ترکیه، برخی نیز معتقدند که در صورت تداوم و گسترش روابط

روسیه و ترکیه، این احتمال وجود دارد که آنکارا در آینده سطح همکاری‌های خود را با ناتو کاهش داده و به همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای با مشارکت روسیه علاقمند شود.

در این بین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری روسیه نوین، باعث شد که برای اولین بار پس از قرن‌ها ترک‌ها و روس‌ها از مجاورت و همسایگی با یکدیگر محروم شوند و به این ترتیب فضای جدیدی در روابط دو کشور بوجود آید. به رغم آنکه پس از فروپاشی شوروی، دیدارهای پیاپی و بسیاری بین مقامات روسیه و ترکیه شکل گرفت، با این حال فراز و نشیب در روابط دو کشور همچنان ادامه یافت. به نحوی که در سراسر دهه ۱۹۹۰، روسیه و ترکیه کاملاً در دو اردوگاه متضاد قرار داشتند. در اکثر سال‌های این دهه، روس‌ها ترکیه را به حمایت از شورشیان و جدایی طلبان چچنی متهم می‌کردند و ترک‌ها نیز نسبت به پشتیبانی روسیه از کردها معترض بودند. علاوه بر این، مناقشه قره باغ، مسئله بوسنی، کوزوو و چچن به علت رابطه مذهبی ترکیه با مسلمانان منطقه و همچنین پیوندهای تاریخی با منطقه بالکان و قفقاز، عملاً دو کشور را در برابر یکدیگر قرار داده بود. موقعیت ترکیه در ناتو و مسائل مرتبط با گسترش این پیمان به شرق، همسویی ترکیه با آمریکا، تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و بروز گرایش‌های قومی در آسیای مرکزی و قفقاز موجب تیرگی روابط میان دو کشور شد. بر این اساس در سراسر دهه ۱۹۹۰، رقابت بزرگی میان روسیه و ترکیه در حوزه‌های به‌جا مانده از شوروی سابق به خصوص در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شروع شد. این رقابت‌ها که با گسترش و ترویج پان‌ترکیسم در مناطق فوق و همچنین حمایت ترکیه از آذربایجان در جنگ با ارمنستان بروز یافت، موجب نگرانی‌هایی برای روسیه شد. در واقع روسیه به ترکیه همچون نماینده غرب در آسیای مرکزی و قفقاز می‌نگریست و همواره از القای الگوی ترکیه به کشورهای منطقه ابراز نگرانی می‌کرد.

پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در روسیه و همچنین حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در ترکیه، روابط دو طرف با بهبود مواجه شد و از آن پس، دیدارهای مقامات رده بالای سیاسی آنکارا و مسکو به طور چشمگیری افزایش یافت. در این بین تحولات منطقه غرب آسیا به خصوص بحران سوریه تاثیر زیادی بر روابط روسیه و ترکیه گذاشت. اگر چه در آغاز هر دو کشور سعی کردند اختلاف نظر در خصوص سوریه را از روابط رو به رشد دوجانبه دور نگه دارند، اما حضور نظامی مستقیم روسیه در سوریه باعث تغییر و تحولاتی عمیق در صحنه بحران این کشور شد. به نحوی که ترکیه به واسطه حضور نظامی

روسیه و حمایت مسکو از دولت اسد، بیشترین ضرر را متحمل شد. پس از سرنگونی یک بمب افکن سوخوی روسیه در منطقه مرزی سوریه توسط جت‌های جنگنده ترکیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵، روابط دو کشور به کلی تیره شد و تنش لفظی میان دو کشور با توجه به عدم عذرخواهی مقامات ترکیه، تداوم یافت. این جدال لفظی هنگامی آغاز شد که ولادیمیر پوتین، ترکیه را متهم کرد که با مورد هدف قرار دادن جنگنده روسی، با تروریست‌ها همدستی کرده و از پشت به کشوری «خنجر زده» که خود با تروریست‌ها در جنگ است. اگر چه این بحران در نهایت با عقب‌نشینی دولت ترکیه فروکش کرد اما قتل سفیر روسیه در آنکارا به نقطه عطف دیگری در روابط دو کشور مبدل شد.

ملاحظات سیاسی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه

در میان روس‌ها، تصویر سنتی ترکیه از لحاظ سیاسی همواره نگران



ملی و همچنین منافع ملی خود حساسیت فراوان نشان می‌دهند و نسبت به نیات دیپلمات‌های غربی بدبین هستند. زیرا نباید این حقیقت را از یاد برد که ترکیه چندین قرن از سیاست‌های غرب رنج برده و در نهایت بخش‌های عظیمی از امپراتوری عثمانی در بالکان، غرب آسیا و قفقاز را از دست داده است.

روسیه به ترکیه همچون کریدور بسیار مهم برای انتقال انرژی خود به بازارهای اروپا، غرب آسیا و شمال آفریقا می‌نگرد و نسبت به گسترش خط لوله موجود بین دو کشور علاقه نشان می‌دهد. تحقق این هدف به روس‌ها اجازه می‌دهد بی‌آنکه به گذر از تنگه بسفر نیاز باشد، انرژی خود را به فراسوی مدیترانه عرضه کنند.

بر این اساس اوراسیاگرایان روسی معتقدند به رغم آنکه خط‌مشی آتاتورکیسم، ترکیه را به سمت غرب هدایت کرده تا از آن یک دولت مدرن غربی بسازد، اما تجربه‌های تاریخی، موجب پیدایش احساسات قدرتمند ملی‌گرایانه و ضدامپریالیستی در مردم ترکیه شده‌اند. به

نحوی که در حال حاضر، شرق‌گرایی بیش از غرب‌گرایی در میان مردم و حتی نخبگان سیاسی ترکیه رواج دارد. در چنین شرایطی، مسکو باید به جای رقابت برای گسترش حوزه نفوذ، بر همکاری‌های خود با آنکارا بیافزاید و تا حد ممکن این کشور را از غرب دور نگه دارد.

ملاحظات اقتصادی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه

یکی از مهمترین محورهای روابط روسیه و ترکیه همکاری‌های اقتصادی دو کشور است که به نوعی از نیازهای متقابل

طرفین ناشی می‌شود. تا اواسط دهه ۹۰ میلادی، مبادلات تجاری میان روسیه و

ترکیه از رونق چندانی برخوردار نبود و تجارت دو طرف در وضعیت موازنه بود، اما با افزایش مراودات اقتصادی دو کشور، اکنون روسیه و ترکیه از شرکای بزرگ تجاری یکدیگر به شمار می‌آیند. در این بین روسیه در حوزه مسائل اقتصادی، چند سیاست مهم را در ارتباط با ترکیه تعقیب می‌کند:

نخستین سیاست روسیه این است که تلاش می‌کند از طریق توسعه مناسبات با ترکیه، ضمن تامین بخشی از نیازهای اقتصادی خود، آنکارا را نیز نیازمند تداوم همکاری متقابل نگه دارد. از سال ۲۰۱۰، «شورای همکاری‌های روسیه و ترکیه در سطح عالی» میان دو کشور تاسیس شده که در نشست‌های آن، موضوعات مهم دوجانبه در حوزه اقتصادی مطرح و مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. کالاهای ساخته شده و مصرفی به همراه فلزات و مواد شیمیایی در صدر فهرست صادرات روسیه به ترکیه جای دارند. صادرات ترکیه

کننده بوده است. روس‌ها همواره به این کشور به مثابه جانشین امپراتوری عثمانی، متحد آمریکا و عضو ناتو نگرسته‌اند که با توجه به حضور در اردوگاه غرب، هیچ تمایلی نسبت به توسعه رابطه با مسکو ندارد. همکاری و نزدیکی با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و عضویت در ناتو، به همراه غرب‌گرایی ترک‌ها در دوران جنگ سرد، از جمله عواملی محسوب می‌شوند که باعث بوجود آمدن دیدگاه منفی نزد ملی‌گرایان و کمونیست‌های روسیه نسبت به آنکارا شده است. با این حال به رغم وجود دیدگاه‌های منفی سیاسی در روسیه نسبت به ترکیه، برخی نیز معتقدند که در صورت تداوم و گسترش روابط روسیه و ترکیه، این احتمال وجود دارد که آنکارا در آینده سطح همکاری‌های خود را با ناتو کاهش داده و به همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای با مشارکت روسیه علاقمند شود. مطابق با این دیدگاه که عموماً توسط اوراسیاگرایان ترویج می‌شود، ترک‌ها در زمینه هویت

اروپا انتقال می‌دهند، کارشکنی کند. در واقع با توجه به علاقه مندی اروپا به متنوع کردن منابع و مسیرهای تامین گاز و نفت، استفاده از مسیر ترکیه به بهبود موقعیت روسیه در رقابت با سایر خطوط لوله نظیر نابوکو کمک خواهد کرد. در نتیجه ترکیه از اهمیت بسیار زیادی برای روسیه در بحث انتقال انرژی برخوردار است.

ترکیه از دیرباز دارای روابط گسترده ای با شورشیان و جدایی طلبان قفقازی بوده و از این قابلیت برخوردار است که

از ظرفیت آنها حتی در راستای انجام یک عملیات تروریستی در خاک روسیه استفاده کند. همچنین ترکیه با توجه به وجود پیوندهای ترکی با برخی از اقوام نواحی مرکزی روسیه نظیر تاتارها و باشقیرها می‌تواند به اعمال فشار علیه مسکو دست بزند.

ملاحظات نظامی و امنیتی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه

در ابعاد نظامی و امنیتی، مناسبات روسیه و ترکیه به واسطه تحولات دو دهه گذشته در معرض عوامل تاثیرگذار مهمی قرار گرفته است. رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تداوم مناقشه قره باغ میان ارمنستان و آذربایجان،



انرژی که مسکو از درآمد کلان آن منتفع می‌شود، ترکیه دست کم به دو دلیل از نقش و اهمیت بسیار زیادی برای روسیه برخوردار است:

روسیه به ترکیه همچون کریدور بسیار مهم برای انتقال انرژی خود به بازارهای اروپا، غرب آسیا و شمال آفریقا می‌نگرد و نسبت به گسترش خط لوله موجود بین دو کشور علاقه نشان می‌دهد. تحقق این هدف به روس‌ها اجازه می‌دهد بی‌آنکه به گذر از تنگه بسفر نیاز باشد، انرژی خود را به فراسوی مدیترانه عرضه کنند. بنابراین ترکیه می‌تواند به عنوان مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا عمل کند. آنکارا می‌تواند در روند احداث خطوط لوله که نفت و گاز منطقه خزر و غرب آسیا را به

به روسیه را نیز وسایل نقلیه، منسوجات، مواد غذایی و محصولات شیمیایی تشکیل می‌دهند که واردات آنها برای مسکو از اهمیت زیادی برخوردار است. روسیه طی سال‌های گذشته سعی کرده به جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ترکیه بپردازد. به نحوی که هم اکنون حدود ۲ هزار شرکت ترکیه‌ای در روسیه فعالیت دارند که سرمایه‌گذاری کل آنها معادل ۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری روس‌ها نیز در ترکیه حدود ۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بنابراین روسیه پیوندهای اقتصادی خود با ترکیه را چنان در هم تنیده است که آنکارا نتواند در مواقع مقتضی، در جهت خلاف منافع مسکو حرکت کند. زیرا

همانگونه که پس از سرنگون شدن جنگنده روسی توسط ترکیه نمایان شد، عملاً نیازهای اقتصادی مهمترین عامل چرخش اردوغان در سیاست‌های خود و تنش زدایی با مسکو بود. دومین سیاست روسیه در حوزه اقتصادی در قبال ترکیه به معادلات انرژی مرتبط می‌شود. روسیه تامین‌کننده دوسوم گاز مورد نیاز ترکیه است و انرژی ۷۶ درصد از صادرات مسکو به آنکارا را تشکیل می‌دهد. علاوه بر فروش





سوریه و بحران گرجستان (جنگ اوت ۲۰۰۸) و بحران اوکراین (۲۰۱۴) مرتبط می‌شود و چنانچه ترکیه تمایل خود را مبنی بر سیاست پان ترکیستی یا نعثمانی گرایی در مناطق پیرامونی قرار دهد، با منافع و اهداف روسیه تضاد پیدا می‌کند. زیرا چنین سیاستی می‌تواند در منطقه غرب آسیا به نقش مخرب ترکیه نسبت به دو شهر حلب در سوریه و موصل در عراق منجر شود و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به افزایش گرایش پان ترکیستی بیانجامد و حتی تا منطقه سین کیانگ چین و نواحی ترک نشین روسیه در قفقاز شمالی و اورال نیز گسترش یابد. بنابراین برای روسیه بسیار مهم است که ترکیه را از بازیگر فعالی که قابلیت کارشکنی در مسائل منطقه ای دارد، به بازیگری همراه و همسو تبدیل کند.

سومین ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه این است که مسکو سعی دارد از تاثیر عوامل خارجی بر روابط خود با آنکارا بکاهد و تا حد ممکن این کشور را از مدار غربی خارج کند. واقعیت آن است که یکی از مهمترین عواملی که همواره بر روابط روسیه و ترکیه تاثیرگذار بوده، عامل بین المللی یا غربی است. به این معنا که روابط روسیه و ترکیه چه در طول تاریخ و چه در دوران کنونی، همواره یک روابط سه ضلعی بوده است که در آن، عامل بین المللی یا غربی از نقش بسیار مهمی برخوردار بوده است. چنانکه هر گاه سیاست خارجی ترکیه به سمت غرب حرکت کرده، تنش های سیاسی و امنیتی با روسیه پدیدار گشته اند و بالعکس، هر گاه سیاست ترک ها به سمت شرق معطوف شده، روابط مسکو و آنکارا نیز بهبود یافته است.

در حال حاضر ترکیه عضو اکثر سازمان ها و نهادهای غربی و بین المللی نظیر ناتو (۱۹۵۲)، سازمان تجارت جهانی (۱۹۹۵) و سازمان همکاری

تغییر حکومت طالبان در افغانستان، اشغال عراق توسط آمریکا، جنگ آگوست ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان، تیرگی روابط آنکارا و تل آویو، مسئله هسته ای ایران، وقوع تحولات انقلابی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا و همچنین بحران سوریه از جمله این عوامل بشمار می‌روند. با این اوصاف، روسیه از لحاظ نظامی و امنیتی چند مسئله مهم را در ارتباط با ترکیه دنبال می‌کند:

نخستین ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در تحکیم روابط با ترکیه این است که مسکو تلاش می‌کند تا حد ممکن از تاثیرگذاری ترکیه بر مسائل داخلی خود بکاهد. ترکیه از دیرباز دارای روابط گسترده ای با شورشیان و جدایی طلبان قفقازی بوده و از این قابلیت برخوردار است که از ظرفیت آنها حتی در راستای انجام یک عملیات تروریستی در خاک روسیه استفاده کند. همچنین ترکیه با توجه به وجود پیوندهای ترکی با برخی از اقوام نواحی مرکزی روسیه نظیر تاتارها و باشقیرها می‌تواند به اعمال فشار علیه مسکو دست بزند. کما اینکه پیشتر آنکارا برای تحت فشار قرار دادن روسیه در مورد اوکراین، با حضور تاتارهای کریمه، دست به تشکیل مجمع تاتارهای جهان در ترکیه زد. بنابراین روسیه در روابط خود با ترکیه، مسائل مهم امنیتی در حوزه قومی و جدایی طلبی را لحاظ می‌کند.

دومین ملاحظه نظامی و امنیتی روسیه در خصوص ترکیه به مسائل منطقه ای در قفقاز، دریای سیاه، بالکان و غرب آسیا مرتبط می‌شود که از اهمیت راهبردی بسیار زیادی برخوردار هستند. بر این اساس روسیه تلاش می‌کند رویکرد ترکیه را در مورد مسائل مهم این مناطق از «رقابت» به «همکاری» تغییر دهد. تاریخ روابط دو کشور نشان می‌دهد که بخش مهمی از رقابت های مسکو و آنکارا به بحران ها و مناقشه های موجود در این مناطق همچون مناقشه قره باغ، بحران



و توسعه اروپا (۱۹۶۱) است و از سال ۱۹۹۶ به اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا وارد شده است. عضویت ترکیه در ناتو به این معناست که هرگونه درگیری نظامی با این کشور می‌تواند به درگیری با تمام کشورهای عضو ناتو منجر شود. بر این اساس، میزان همگرایی با سیاست‌های ناتو، دوری و نزدیکی به آمریکا و افزایش یا کاهش تمایل عضویت در اتحادیه اروپا از جمله عواملی به شمار می‌آیند که همواره در زمره ملاحظات جدی روسیه در حوزه‌های نظامی و امنیتی نسبت به آنکارا قرار داشته‌اند. به همین دلیل روسیه در طول سال‌های گذشته، خواهان دور کردن ترکیه از ساختارهای غربی بوده است.

چهارمین ملاحظه امنیتی و نظامی که روسیه در روابط با ترکیه به آن توجه دارد، مسئله فروش تسلیحات به آنکارا است. بر این اساس در سال‌های گذشته، بحث فروش تجهیزات نظامی از جمله هلیکوپترهای جنگی، سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰، موشک‌های میان برد و احداث سیستم دفاع هوایی برای ارتش ترکیه مطرح بوده است. علاوه بر منافع مادی که چنین معاملاتی

می‌توانند برای کرملین در بر داشته باشند، انجام هر نوع معامله تسلیحاتی میان روسیه و ترکیه می‌تواند به نفوذ نظامی مسکو در آنکارا و دور شدن ترکیه از ساختار نظامی ناتو و آمریکا بیانجامد. کما اینکه مقامات دولت آمریکا و همچنین دبیر کل ناتو بارها درباره انجام هرگونه معامله تسلیحاتی میان روسیه و ترکیه هشدار داده و آنکارا را از چنین اقدامی بر حذر داشته‌اند.

روسیه اهمیت زیادی برای توسعه مناسبات خود با ترکیه قائل است. وسعت سرزمین، میزان جمعیت، شرایط جغرافیایی و حجم مبادلات تجاری با آنکارا، اهمیت آن را برای

مسکو بسیار زیاد کرده است. ضمن آنکه با توجه به شرایط و جایگاه فعلی ترکیه در منطقه غرب آسیا، توسعه دوستی با آنکارا، یک مزیت برای سیاست خارجی مسکو محسوب می‌شود. از منظر روسیه، جایگاه

ژئوپلیتیکی ویژه ترکیه که بهترین راه دستیابی روسیه به آب‌های گرم هم محسوب می‌شود، همواره دغدغه نزدیکی و یا گذر از ترکیه بوده است. بر این اساس روسیه طی سال‌های گذشته به بازتعریف سیاست‌ها و استراتژی‌های خود در رابطه با ترکیه پرداخته و در مواردی همچون سرنگونی جنگنده یا قتل سفیر خود در آنکارا، مسائل را به نحوی مدیریت کرده که در نهایت منافع حداکثری را کسب کند. سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، انجام معاملات تسلیحاتی و مدارا با ترکیه در خصوص بحران سوریه، همگی در این راستا قابل ارزیابی هستند که مسکو قصد دارد به هر ترتیب که شده رشته‌های پیوند میان ترکیه و غرب را بگسلد و این کشور را به همکاری با خود ترغیب کند. بر این اساس می‌توان گفت که روسیه در مدیریت روابط خود با ترکیه، به طور همزمان چند هدف را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی دنبال می‌کند.

